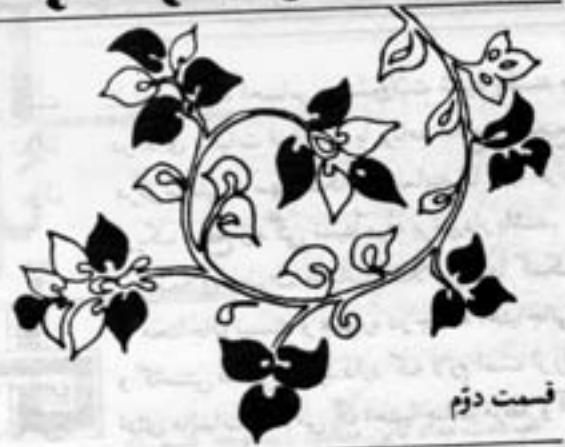


امام راحل سلام الله عليه

وفقه سنتی



قسمت دوم

آیت الله محمّدی گیلانی

الهی و ودیعه نبوی را تناول می نمایند و در صیانت آن نهایت م سعی را میزول می دارند و در محافظت آن از انحراف و بدعت تا پای جان و قربانی عزیزان، استقامت می ورزند و به شهادت تاریخ قطعی شهادت فضیلتی را در این استقامت کم نظیر تقدیم آستان شریعت نموده اند سلام الله علیهم اجمعین.

و باید چنین باشند، زیرا آنان امناء الله تعالی و خلفاء رسول الله صلی الله علیه وآله و حصون اسلامند چنانکه باین نعوت و اوصاف در احادیث کثیره، منعت و موصوف شده اند.

این طایفه جلیله اند که بتمام وصیت رسول الله صلی الله علیه وآله: «انی نأرك فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیی فآنها لن یفترقا حتی یردا علیّ العوض» و وصیتنامه سیاسی و الهی رهبر عظیم انقلاب اسلامی یا آن براعت استهلال شده است، عمل می کنند، و مدار فتوی که منصب الهی است: «فل الله یفتیکم» در نزد آنان همانا کتاب الله تعالی و سنت یعنی قول و فعل و تقریر معصوم است و بس.

کتاب الله

اما کتاب الله تعالی همین قرآن موجود و متداول میان همه فرق مسلمین است که معجزه خالده همه پیمبران صلوات الله علی نبینا وآله وعلیهم، و مشتمل بر جمیع معارف حقّه و کلیات شریعت است و همان است که صحابه محترم بعد از ارتحال رسول الله صلی الله علیه وآله آن را از سطور و صدور اصحاب کبار، جمع و تدوین نمودند و در عصر خلافت عثمان و گستردگی فتوحات، ضرورت اقتضاء کرد که آن مدون مبارک تکثیر شود خلیفه امر نمود که نسخه هائی متعدّد طبق نیاز کشورهای مفتوح استساخت شود، و چنان شد که امر کرده بودند، تعدادی از آنها را به مکه و شام و بصره و کوفه و یمن و بحرین ارسال نمودند و یک نسخه در مدینه ماند و از همان نسخ است که نسخه های قرآن مجید در اعصار بعدی تدریجاً استساخت و تکثیر گردیده و می گردد، و همین قرآن است که جمیع فرقه های

* اتصال طریقه فقهاء امامیه سلام الله علیهم بوحی: کتاب الله تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وآله.

* کتاب الله تعالی همین قرآن موجود در دست عموم مسلمین است که صحابه کبار بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه وآله آنرا جمع و تدوین نمودند، اول آن «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین» و آخر آن «من الجنة والناس» است.

* قصد تحریف در روایات فریقین، مدسوس است.

* ائمه آل البیت علیهم السلام قولاً و عملاً بر همین قرآن مهر صحت زدند.

* و سنت، قول و فعل و تقریر رسول الله صلی الله علیه وآله است بدلالت قرآن، و رسول الله صلی الله علیه وآله قول و فعل و تقریر ائمه آل البیت علیهم السلام را تالی بیان خود قرار دادند بدلالت حدیث ثقلین، صحیفه جامعه و جفر و مصحف فاطمه علیها السلام.

گفتیم: مقصود امام راحل سلام الله علیه از فقه سنتی در وصایای متکرر شفاهی و کتبی آن حضرت، فقهی است که بر طریقه فقهای امامیه سلام الله علیهم مبتنی باشد، در میان فقهاء اسلام فقط این طایفه اند که دینشان را در همه ابعاد از وحی یعنی قرآن و سنت اخذ می کنند و رأی و قیاس و اجتهاد، بدون مأخذ وحی و مصدر عصمت در نزد آنان بی اعتبار است و این قولی است که جملگی برآند، و از بدیهیات طریقه این طایفه است و توارثاً اخلاف از اسلاف این امانت

مسلمین با آن همه اختلافاتی که در اصول عقائد و مسلکهای فقهی دارند، در قرون و اعصار گذشته و عصر حاضر به آن تمسک می کنند، و همه نسخه های آن با هم متطابق و متحدند و هیچگونه تفاوتی از لحاظ زیادت و نقصان در آنها نیست و در ترتیب سوره و آیات متوافقند، و همین قرآن متداول در دست مسلمین است که همه ائمه اهل بیت صلوات الله علیهم قولاً و عملاً بر آن مهر صحت من عند الله تعالی زدند و همین قرآن، انیس و جلیس آن بزرگواران در روز و شب بوده و تلاوت می فرمودند، و اصحاب خود را در علاج تعارض اخبار تعلیم می دادند که اخبار متعارضه را بهمین قرآن عزیز عرضه بدارند و آن خبری که موافق قرآن است اخذ کنند و آن خبری که مخالف قرآن است، باطل و مردود شمرده و به دیوارش بزنند... همه اینها که گفته شد، نیازی به استدلال ندارد، زیرا جمیع ملت اسلام به آنها متدین و معتقدند.

و از اینجا روشن می شود که قضاة تحریف قرآن منقول در روایات فریقین مانند آیات مزعومه درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایات شیعه و مانند آیات مزعومه درباره رجم در زینای محصن و زینای شیخ و شیخه و نظیر اینها در صحاح اهل سنت، قضاة ای است مدسوس از دشمنان اسلام، خصوصاً از یهود عنود، و از این روایت که علماء فریقین، هیچگونه بهائیتی به آنها نداده اند و در همان کتب روایتی، مدفونشان ساخته اند، و بدین وسیله راه طعن به کتاب الله تعالی را بر روی اعداء اسلام بسته اند، و مساعی شیطانی آنها را در ایراد و همن و سوسه در حریم حجیت کتاب الله تعالی بی حاصل کرده و آنها را خائب و نومید نمودند.

پس قرآنی که امروز در دست مسلمین است و در اعصار و ازمان گذشته نیز در دست مسلمین بوده همان قرآنی است که خداوند متعال تنزیل آن را در آخرهای عمر رسول الله صلی الله علیه و آله تکمیل کرده و خاتمه داد و آن حضرت در طول رسالت خویش هر وقت آیه یا آیاتی بر وی نازل می شد بر حصار تلاوت می فرمود و هر چه که محتاج به تفسیر و بیان بوده برای آنها تفسیر و تبیین می نمودند و بویژه به امیرالمؤمنین علیه السلام تلقین می کردند و او را به حفظ کتاب الله تعالی و نوشتن آن امر می فرمود و بعد از هجرت به مدینه طیبه، مسلمین را به آموختن کتابت تشویق می فرمودند و آنان نیز در امثال فرمان آن جناب مبادرت می ورزیدند، سپس آنها را به کتابت و حفظ قرآن شریف ترغیب می کردند و آنها نیز در مقام اطاعت فرمان حضرتش به مسابقه برمی خاستند و آنچه از آیات کریمه قرآن را که از حضرتش تلقی می کردند بر لوحه های نوشتنی مرسوم زمان می نوشتند، و اسماء سوره ها و مکان آیات را در سوره ها از رسول الله

صلی الله علیه و آله به تعلیم الهی می آموختند و بعد از رحلت آن حضرت، اصحاب محترم آن حضرت آنها را جمع و تدوین کردند و بر حسب ضرورت چنانکه گفتیم تکثیر نسخه نموده و در میان مسلمین ساکن در کشورهای مفتوحه توزیع کردند که آغاز همه نسخه ها: «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین» و پایان همه آنها: «من الجنة والناس» بوده که هم اکنون نیز چنین است.

سنت
و اقامت: قول و فعل و تقریر رسول الله صلی الله علیه و آله است که خدای تعالی آنها را تالی کتاب الله تعالی قرار داده و چنانچه گذشت می فرماید: «انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم» (التحل- ۴۴). از غایبات انزال ذکر یعنی قرآن بر تو این است که آنچه تدریجاً درباره سعادت مردم از احکام و غیر آنها نازل یافته برای آنان تبیین نمائی.

این تبیین گاهی با قول و گاهی با فعل و عمل رسول الله صلی الله علیه و آله انجام می گیرد و گاهی هم با تقریر آن حضرت، عملی را که دیگری در مرأی و محضرش انجام داده است، تحقق می یابد و همه اینها، تبیین «ما نزل الیهم» از ناحیه آن حضرت است که حدود هریک از این امور در کتب اصول فقه مبسوطاً بیان گردیده و تعرض آنها بیرون از مقصد ما است، و از این رو به اشاره اکتفا کردیم. و همانگونه که خداوند عزوجل بیان رسول الله صلی الله علیه و آله را تلوین قرآن قرار داده است، رسول الله صلی الله علیه و آله نیز بیان عترت یعنی اهل بیتش را تالی تبیین خویش قرار داده است که مدلول حدیث ثقلین است.

تخلیفات
و حدیث: کلامی است که سنت یعنی قول و فعل و تقریر رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین آنجناب صلوات الله وسلامه علیه و علیهم را حکایت می کند، و بعبارة اختری: خبر حاکی از قول و فعل و تقریر معصومین علیهم السلام درباره اصول و فروع و سنن و اخلاق و احکام و فرائض و حتی حدیث قدسی، در اصطلاح متشرعین به شریعت اسلام، حدیث نامیده می شود، پس حدیث یعنی خبری که مرآت انوار سنت رسول الله و آل بیت معصومین آن بزرگوار علیه و علیهم صلوات الله می باشد که جام سعادت نمای دنیا و آخرت است.

و فریقین اتفاق دارند بر اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت و اهتمام مخصوصی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشت و در تعلیم و تأدیب و تربیت وی در میان اصحابش، نهایت اعتناء را بذل می فرمودند، و آیات نازله را در هر مکان و زمان بروی قرائت می فرمود

آن جناب می نوشتند و برای وی مجملات و متشابهات و ناسخ و منسوخ و عام و خاص را بیان می کردند. و نوامیس شریعت و احکام دین حنیف و هر آنچه که دخیل در سعادت دنیا و آخرت بشر بود بر او املاء می نمود، و آن جناب نیز می نگاشت و در حیات رسول الله صلی الله علیه و آله همه آنها را بصورت کتابی تدوین نمودند بنام صحیفه جامعه، و کتابی دیگر مدون فرمودند که مشتمل بر احکام دیات و فرائض بوده و بر غلاف شمشیرش می آویختند.

حدیثی صحیح و جامع در این باب در اصول کافی از ابی بصیر روایت می کند:

«قال: دخلت علی ابي عبد الله عليه السلام فقلت له: جعلت فداك اني اسألك عن مسألة، ههنا أحدٌ يسمع كلامي؟ قال: فرغ أبو عبد الله عليه السلام سترًا بينه وبين بيت آخر فأطلع فيه ثم قال: يا أبا محمد سل عفا بدا لك، قال: فقلت: جعلت فداك إن شيعتك بنحو تون أن رسول الله صلى الله عليه وآله علم علياً عليه السلام باباً يفتح له منه ألف باب؟ قال: فقال: يا أبا محمد علم رسول الله صلى الله عليه وآله علياً عليه السلام ألف باب يفتح من كل باب ألف باب قال: فقلت هذا والله العلم قال: فتكت ساعة في الأرض ثم قال: إنه لعلم وما هو بذاك .

قال: ثم قال: يا أبا محمد! وإن عندنا الجامعة وما بدرهم ما الجامعة؟ قال: فقلت: جعلت فداك وما الجامعة؟ قال: صحيفة طولها سبعون ذراعاً بذراع رسول الله صلى الله عليه وآله واملائه من فلق فيه وحظ عليّ يمينه، فيها كل حلال وحرام وكل شيء يحتاج الناس إليه حتى الأرض في الحدش وهرج يده إليّ فقال: تأذن لي يا أبا محمد؟ قال: فقلت: جعلت فداك إنما أنا لك قاصع ما شئت، قال: فعزمني يده وقال: حتى أرض هذا - كأنه مغضب. قال: فقلت: هذا والله العلم قال: إنه لعلم وليس بذاك .

ثم سكت ساعة، ثم قال: وإن عندنا الجفر وما بدرهم ما الجفر؟ قال فقلت: وما الجفر؟ قال: وعاء من آدم فيه علم النبيين والوصيين، وعلم العلماء الذين مضوا من بني إسرائيل، قال فقلت: إن هذا هو العلم، قال: إنه لعلم وليس بذاك .

ثم سكت ساعة ثم قال: وإن عندنا لمصحف فاطمة عليها السلام وما بدرهم ما مصحف فاطمة عليها السلام؟ قال: فقلت: وما مصحف فاطمة عليها السلام؟ قال: مصحف فيه مثل قرآنكم هذا ثلاث مرآت، والله ما فيه من قرآنكم حرفٌ واحد، قال: فقلت: هذا والله العلم قال: إنه لعلم وما هو بذاك .

ثم سكت ساعة ثم قال: إن عندنا علم ما كان وعلم ما هو كائن إلى أن تقوم الساعة قال: فقلت: جعلت فداك هذا والله هو العلم، قال: إنه لعلم وليس بذاك .

قال: فقلت: جعلت فداك فأني شيء العلم؟ قال: ما يحدث بالليل والنهار، الأمر من بعد الأمر، والشئ بعد الشئ، إلى يوم القيامة.»

(ج ۱ - ص ۲۳۹ الی ۲۴۰)

- ابوبصیر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم فدایت شوم سؤالی دارم آیا در اینجا کسی کلامم را می شنود؟ آن حضرت علیه السلام، پرده ای را که بین او و اطاق دیگر افراشته بود، بلند کرد و تنگاهی در آن افکندند، سپس فرمودند: ای ابا محمد هر چه می خواهی سؤال کن. گفتم فدایت شوم، شیعیان شما روایت می کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله باین از علم به علی علیه السلام آموختند

که از آن هزار باب بر او گشوده شد؟ فرمودند: ای ابا محمد، رسول الله صلی الله علیه و آله هزار باب از علم به علی آموختند که از هر بابی هزار باب، بر او گشوده گردید، عرض کردم: این است سوگند به خدایتعالی علم کامل! ابوبصیر می گوید: آن بزرگوار ساعتی، عصای خویش را هم چون غمناکی بر زمین می زد سپس فرمودند: یقیناً این، علم است، ولی این علم، آن علم «کامل ویژه آل بیت علیهم السلام» نیست.

سپس فرمودند: ای ابا محمد نزد ما «جامعه» هست و مردم چه می دانند که «جامعه» چیست؟ عرض کردم: فدایت شوم «جامعه» چیست؟ فرمودند: صحیفه ای است، طول آن هفتاد ذراع به ذراع رسول الله صلی الله علیه و آله و املاء آن بزرگوار و دستخط مبارک علی که در آن همه حلال و حرامها مرقوم است و هر چه که مردم بدان نیازمندند در آن آمده است حتی دینه خراش بریدن و در این هنگام دست مبارک خویش را بسویم دراز کرد و فرمودند: بمن اذن می دهی؟ عرض کردم من مملوک تو هستم هر چه می خواهی انجام ده، پس با دست مبارک فشارم داد، فرمودند: حتی دینه این فشار. گویی آن بزرگوار خشمناک بود. عرض کردم: این است والله علم کامل؟ فرمودند: این البته علم است ولی آن علم نیست.

سپس ساعتی سکوت اختیار نموده آنگاه فرمودند: در نزد ما «جفر» است و مردم چه می دانند که «جفر» چیست؟ عرض کردم: «جفر» چیست؟ فرمودند: وعائی از چرم است که در آن علم پیامبران و اوصیاء و علم علماء گذشته بنی اسرائیل است، عرض کردم: این همانا علم است؟ فرمودند: این البته علم است ولی نه آن علم.

سپس ساعتی درنگ فرمودند و آنگاه گفتند در نزد ما مصحف فاطمه علیها السلام است و مردم چه می دانند که مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ عرض کردم: مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ فرمودند: مصحفی است که حجم آن سه برابر حجم قرآنتان می باشد، ولی به خدا سوگند یک حرف از قرآنتان در آن نیست، عرض کردم: این والله علم کامل است؟ فرمودند: این البته علم کامل است ولی نه آن علم.

آنگاه ساعتی ساکت ماندند، سپس فرمودند: در نزد ما علم ماکان و علم ما هو کائن تا روز قیامت است، عرض کردم: فدایت شوم این والله همان علم مخصوص است؟ فرمودند این البته علم است ولی نه آن علم.

عرض کردم فدایت گردم: پس آن علم مخصوص چه چیز است؟ فرمودند آنچه که در شب و روز پدید می آید و امری بدنیال امری و چیزی بعد از چیزی تا روز قیامت حادث می شود. ادامه دارد

در راه تحقق این وظیفه مهم سنگ اندازی کند و موجب بهم خوردن و ضعف این اجتماع یا اختلال در هدف آن گردد مقصر و مسؤول است.

۶- پاکیزگی

دین اسلام دین نظافت و پاکیزگی است و در این دین الهی به نظافت و پاکیزگی اهمیت فوق العاده ای داده شده است بطوری که این موضوع یکی از امتیازات این دین محسوب میشود و بر اساس تعالیم اسلامی باید نور نظافت نه تنها آرزیدن و لباس و خانه مسلمان بلکه از کویچه و خیابان و شهر و مملکت آنها بنیاید و نیز نه تنها از ظاهر بلکه قلب و جان آنها بنور و پاکیزگی تقوا روشن باشد.

بقیه از مبانی رهبری در اسلام

محدثین اهل سنت^۶ از این عباس روایت کرده اند که وقتی آیه «مؤذنت قریبی» نازل شد، اصحاب گفتند:

«یا رسول الله من قرانک آلذین وجبت علینا مؤذنتهم؟»

ای رسول خدا کیستند نزدیکان که خداوند مؤذنت آنها را واجب

نموده است؟

پیامبر اسلام فرمود:

«علی وفاطمة وائمهنا.»^۷

آنها عبارتند از: علی و فاطمه و دو فرزند آنها.

جمع بندی و نتیجه گیری مذکور صریحاً در دعای ندبه ذکر شده است، در این دعا در مقام نیایش خطاب به خداوند متعال چنین می گوئیم:

«ثم جعلت اجر محمد صلواتک علیه وآله مؤذنتهم فی کتابک فقلت: «فل لاأسألکم علیه اجر إلا أئمة فی القری» وقلت: «ماأسألکم من اجر فهو لکم» وقلت: «ماأسألکم علیه من اجر إلا من شاء أن یخذ إلى ربه سبیل» فكانوا هم أئمة السبیل إلیک واکملک إلی رضوانک.»

... سپس مزد محمد (درود تو بر او و خاندانش) را در کتاب خود قرآن، مؤذنت آنها «اهل بیت» قرار دادی و گفتی بگو: «من در

این نکته تیز روشن است که نظافت و پاکیزگی آنوقت در نظر اسلام ارزشمند است که با کیفیت و فورمول اسلامی انجام بگیرد و در عقبه ششم صراط سؤال مربوط به نظافت است.

۷- حقوق مردم

شدیدترین مواقف و عقبات پل صراط عقبه سؤال از حقوق مردم است که خداوند متعال سوگند یاد کرده است که از ظلم هیچ ظالمی نگذرد و حق مظلوم را هر که باشد از ظالم بگیرد. حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إن یتک لبالمصدا»^۸ فرمودند مرصدا قنطره و گرده ای است در پل صراط و هر کس که در گردش مظلمه ای و حقی باشد نمیتواند از آن بگذرد.^۹ در پایان این مقاله از خداوند برای همه مسلمانان توفیق عمل بوظایف اسلامی و لطف و

کمک برای ثابت ماندن گامها در پل صراط و آسان گذشتن از این عقبات را خواستاریم و این مطلب که در روایات اسلامی مکرر آمده است که پل صراط از مودقیقتر و از شمشیر قاطع تر است شاید کتابه از دقت و قاطعیتی است که در رابطه با موضوعاتی که ذکر گردید بعمل خواهد آمد «اللهم تبنت أقدمانا علی الصراط»

ادامه دارد

- ۱- سوره مریم. آیه ۷۱.
- ۲- بحار الانوار. ج ۸ ص ۷۰.
- ۳- تفسیر العیزان. ج ۱۴ ص ۱۰۰.
- ۴- بحار الانوار ج ۸ ص ۷۰.
- ۵- کفایة الموحدين. ج ۳ ص ۳۲۱.
- ۶- بحار الانوار. ج ۸ ص ۶۴.
- ۷- بحار الانوار. ج ۸ ص ۶۶.
- ۸- بحار الانوار. ج ۸ ص ۶۷.
- ۹- سوره فجر. آیه ۱۴.
- ۱۰- کفایة الموحدين. ج ۳ ص ۳۲۶. ۳۳۰.

مقابل خدمت از شما مزدی نمی خواهیم جز مؤذنت قریبی و گفتی: «آنچه به عنوان مزد خواستیم به سود شما است» و گفتی: «من از شما مزد نمی خواهیم، اجر من همین بس که هر که بشوهد راه پروردگار خود را پیش بگیرد» بنابراین آنها «خاندان رسالت» را تو و طریق وصول به مرصات تو بودند.

نکته قابل توجه اینکه قرآن کریم نه تنها امامان خاندان رسالت را راهنمایان راه خدا، بلکه آنها را راه خدا می داند، نمی گوید: امام راهنما است بلکه می گوید: امام راه است، تاکید بر اینکه تکامل مادی و معنوی انسان و وصول او به فلسفه آفرینش خویش راهی جز امامت رهبری رهبران الهی ندارد.

ادامه دارد

- ۱- نگاه کنید به کتاب عدل در جهان بینی توحید، درس دوم.
- ۲- سوره بقره. آیه ۱۲۴.
- ۳- در این زمینه در محبت «شرایط امامت» بیشتر توضیح خواهیم داد.
- ۴- «الذکروا نعمتی الی انعمت علیکم واطوا بعهدی اوف بعهدکم». نعمتی را که بر شما ارزانی داشته ام یاد کنید و به پیمان من وفا کنید، به پیمان شما وفا خواهیم کرد. (سوره بقره. آیه ۱۰).
- ۵- نگاه کنید به سوره شعراء. آیات ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۶۴، ۱۸۰.
- ۶- صحیح بخاری، صحیح مسلم، مستند ابن خنبل. تفسیر ثعلبی.
- ۷- دلائل القصد. جلد ۲ صفحه ۷۵.